



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۷/۱۶



سید حمید الله روغ

مجلس علما در مکه فتوا داد: «حملات انتحاری حرام است!!»

اخیراً معین امنیتی وزارت امور داخله افغانستان در رابطه با دستگیری سران مافیا گفت که «این ها حتی اداره کشور را به دست گرفته اند»

این فقط یک جمله، بیشتر از همه کتاب ها سخن می گوید!

سرتا سر شبکه جنگ و ترور در افغانستان در تحت حمایت هیولای مافیای یک هزار سر عمل می کند؛ نه تنها به این دلیل که همه طرف ها در فعال نگهداشتن این شبکه ها دخیل و ذی نفع هستند؛ و همین شبکه ها همان دست دراز و ستون پنجم ایران و پاکستان در افغانستان هست؛ بل به این دلیل که جنایت سازمان یافته از وضع جنگ و ترور تغذیه می کند؛ و فعالانه از پایان یافتن وضعیت اضطراری ممانعت می کند؛ وضعیت اضطراری، دسترخوان مافیا و ترور است؛ صلح، در افغانستان، نان نمی آورد؛

یک ترکیب بسیار غریب از منابع و محرکات خارجی، و منطوقی، در طی جنگ ۴۰ ساله، این شبکه ها را به وجود آورده اند، و عواقب جنگ، اینک به مانند واقعیت های اجتماعی در افغانستان وارد صحنه شده اند؛ سر رشته های این طلسم، به مانند گذشته، در دستان ناپیدا سرشته می شوند.

افغانستان میدان عمل نیروهایی است که دیده نمیشوند؛ برای پی بردن به ماهیت جریانات وطن، باید شنیدن را آموخت.

دولت با اقدام بر علیه مافیا بر عصب و مصب جنگ دست مانده است؛ اینک ما نمی پرسیم که دولت چقدر و چرا در این زمینه دیر اقدام کرده است؛ نمی پرسیم که ظرفیت های دولت تا کجا ممکن می سازند که این اقدامات ادامه بیابند؛ می پرسیم که دولت چه امکاناتی در اختیار دارد تا در موقف یکی از طرف های درگیر پایان نلغزیده باشد؛ و این خصوصاً در رابطه با انتخابات آینده مهم است، که هرچه بیشتر بر محور مقابله منافع همین گروه های مافیایی چرخانیده می شود؛ مقابله هایی که لباس قومی به آنها پوشانیده می شود؛

دیروز در کابل سران گروه های جهادی، مجلس کردند، تا گویا در باره انتخابات آینده با هم مشوره کنند؛ نمی پرسیم که چی چیزی اینان را متفاوت می سازد، که اینان با هم مشوره می کنند؟ می پرسیم که اینان چرا در باره مجلس اخیر مکه هیچ چیزی نمی گویند، جایی که همین سه روز پیش علمای ۳۵ کشور اسلامی فتوا دادند که ادامه جنگ و ترور،

و خاصتاً حملات انتحاری در افغانستان، «حرام» است؛ و جواز شرعی ندارد؛ پس حملات انتحاری در افغانستان کار دین نیست؛ احتکار دین است؛ حملات انتحاری در افغانستان کار ملای دین نیست؛ کار ملای نصرالدین است! اینک جناب حکمتیار جواب بگوید که چگونه همین دو ماه پیش گفت که حملات انتحاری، صیب «بالکل شرعی» هستند؟ و وقتی می دانیم که هم پاکستان، و هم ایران، هر دو، مجلس مکه را تحریم کردند؛ پس افشا می شود که حملات انتحاری در افغانستان از کجا ها سازمان داده می شود؛ فقط در طی یک ماه این طرف سیکه ها را کشتار می کنند؛ و آنطرف میتینگ های انتخاباتی در پشتونستان و بلوچستان را منجر می سازند؛ پس ترور، اگر از اینجا نمی آید، از کجا می آید؟

در این میان، طی ۴۰ سال گذشته، ساختار وضعیت در جهان، و وضعیت در منطقه ما به شدت دگرگون شده است؛ جهان که ۴۰ سال پیش با سرمستی برای فتح وارد جنگ افغانستان شد، با سر و کله دیگری از این جنگ بیرون می شود؛ دیگر تردیدی نیست که دنیایی که ما امروز در آن بسر می بریم، بسیار متفاوت از دنیای ۱۷ سال پیش است؛ اینک دیگر مسلم است که نظریه در باره یک «دولت جهانی» واگذار شده است؛ این قلم ده سال پیش با صراحت نوشتم که «دولت جهانی» یک توهم است؛ جهان به سوی یک دولت جهانی به پیش نمی رود؛

امروز ما پارادیمی در اختیار نداریم تا جریانات جهان کنونی را برای ما فهما تر بسازد؛ اما این جریانات هر گونه پیامد هایی که داشته باشند، از همین اکنون آشکار است که افغانستان، و کشور های ماحول افغانستان، به مهم ترین آماج ها، و حتی، بازیگران این تحولات؛ و به کانون خشن ترین مقابله های ژئواستراتژیک مبدل شده اند؛

همه می دانند، و با دلهره ناظر هستند، که سرنوشت جهان آینده در افغانستان حل و فصل خواهد شد؛ این که این خبر برای کی چی پیامدهای خوفناکی دارد، حد ما نیست که بدانیم؛ اینکه این خبر برای ما افغانان چه پیامهای هولناکی دارد، حق ما نیست که بدانیم جهان حق افغانان برای دانستن راز حقیقی این سرنوشت خونین خود را، حقه کرده است!

۴۰ سال است که همه بی اعتنا از کنار قربانی صد پاره افغانان می گذرند؛ و مصروف بزکشی های خود هستند!

افغانان باید به این ناممکن نایل آیند که سرنوشت ختم جنگ را به دست خود بگیرند!

اخیراً جنرال "میولر" امریکایی در برابر سنای امریکا اظهار داشت که تا وقتی که روسیه و ایران و پاکستان به مداخلات خود در افغانستان ادامه بدهند، وضعیت بحران در افغانستان عوض نخواهد شد؛ چین و روسیه و ایران و پاکستان به دورادور افغانستان یک کمر بند تعرضی بسته اند؛ پاکستان و ترکیه هر دو می کوشند برای خود یک جای نو در این تعاملات بگشایند؛ هند در جست و جوی موازنه های نو است؛

فشار ها بر پاکستان تشدید یافتند، حتی «ولی نعمت» سعودی از حمایت از پاکستان دست برداشت و اخیراً پاکستان شامل فهرست کشورهای حمایت کننده از تروریسم ساخته شد؛ فقط چند هفته پس از این فیصله، نیکی هیلی هنگام بازدید از هند، بار دیگر تأکید کرد که پاکستان باید نشان بدهد که از تروریسم حمایت نمی کند؛ بالمقابل وزیر خارجه پاکستان پاسخ غریبی داد و گفت که پاکستان منافع ملی خود را قربانی امریکا نمی کند؛ کمترین معنای این بیانات این است که مطالباتی که امریکا از پاکستان دارد، در سطح بالاتر از اوضاع و مسایل افغانستان قرار دارند؛

دو بار لقمه تیار افغانستان از دهان پاکستان پایان افتید؛ یکبار هنگام ورود قوت های امریکایی و ناتو به افغانستان در ۲۰۰۱؛ و بار دگر هنگامی که دولت آلمان با قاطعیت تلاش پاکستان برای ورود در بن دوم را ناکام ساخت؛ دولت آلمان این سیاست صادقانه را تعقیب کرد که تنها مردم افغانستان حق دارند در باره افغانستان تصمیم بگیرند؛

بهر حال پاکستان در بازی ژبو - ستراتیژیک یک موفقیت هم داشت؛ در بن اول، پاکستان موفق شد این نسخه خود را تطبیق کند که افغانستان به چار زون قومی تفکیک شود؛ پاکستان با سهولت تنظیم ها را در کانون های قومی پیاده کرد؛ بدینگونه مداخله پاکستان در آینده افغانستان دایمی سازی شد؛ و جریانات چند ماه اخیر نشان دادند که چگونه پاکستان معضلات داخلی خود را به افغانستان صادر کرد و تنور مقابله های قومی را در افغانستان گرم ساخت؛ و حتی موفق شد بالکانی ساختن افغانستان را از طریق رسانه ها مطرح بسازد؛ پاکستان در خود فرو رفته است، زیرا آگاه است که در مدخل پرتگاه نابودی ایستاده است؛ اما این دلیلی برای این نیست که پاکستان از اهداف دشمنانه خود در افغانستان دست برداشته است؛

ایران مهم ترین بازیگر انکشافات افغانستان است، که مداخلات بسیار ویرانگرانه آن در افغانستان، از نظرها دور مانده است؛ در تغییرات ژئوپولیتیک در خاور میانه یک مقابله رو در روی تسنن و تشیع برنامه شده است، و این دو بازیگر ساده لوح برای نابود ساختن همدیگر گلاویز خواهند شد؛ در خاور میانه میدانی برای یک جنگ بزرگ گشوده می شوند؛ چاه های نفت که خالی شده اند، برای آن است که تا خود خاور میانه در آن ها سرملاق ساخته شود؛ اهداف هژمونیک ایران در منطقه و در افغانستان از اهداف هژمونیک پاکستان تفاوت، و شاید هم برتری، دارد؛ سال های گذشته نشان دادند که این احتمال که این دو قدرت هژمونیک منطقه باهم مقابل شوند، و از جمله در افغانستان با هم مقابل شوند، کاهش نمی یابد؛ اما ایران و پاکستان از دو نظر در برابر افغانستان موضع مشترک دارند:

یکی این که هر دو در ممانعت از رویکار شدن یک دولت آگاه بخود، و مؤثر، در افغانستان خود را ذی نفع می دانند؛ در این میان مهمترین بخش ستراتیژی پاکستان، و ایران، در افغانستان، این است که از چرخش اقتصادی و مواصلاتی ممانعت کنند که افغانستان را به مرکز ثقل اقتصادی حوزه ما مبدل می سازد؛ موفقیت های دولت کنونی افغانستان در عرصه ستراتیژی اقتصادی، نشان می دهد که یک دولت مؤثر می تواند ظرفیت های بسیار نیرومند افغانستان برای تبدیل شدن به مرکز ثقل اقتصادی حوزه ما را به ظهور برساند؛ هر دو کشور پاکستان و ایران در برابر کوشش های مشروع افغانستان برای مهار کردن ظرفیت های آبی، با حساسیت فوق العاده برخورد می کنند؛

سالانه ۳۳ میلیارد متر مکعب آب، بالاتر از ظرفیت های قرارداد شده، از افغانستان به ایران سرازیر می شود؛ و این در حالی که افغانستان طی چندسال آینده با بحران قلت آب مواجه خواهد شد؛ ایران با وضاحت اخطار داد که کوشش های افغانستان برای اعمار بندهای آبگردان را سبوتاژ خواهد کرد؛ و حوادث اخیر نشان دادند که ایران برای این مقصود، حاضر است که تا لشکرکشی تمام عیار جلو برود؛

دیگر اینکه هر دوکشور صدور تناقضات قومی و مذهبی به افغانستان را به منزله یک ابزار تداوم نفوذ و حفظ برتری هژمونیک می نگرند؛ و با تشدید این تناقضات در افغانستان «بازی» می کنند؛

هر قدر همه طرف ها موانع ایجاد کنند؛ هر قدر هم عواقب تقسیمات و خطکشی های استعماری برای حوزه ما سنگین بوده باشد؛ با اینهمه، گرایش سمت دهنده در حوزه ما، تجزیه ها نیست؛ بل گرایش سمت دهنده در حوزه ما «همگرایی حوزه بی» باقی می ماند؛ و هر قدر همه طرف ها موانع ایجاد کنند، این همگرایی حوزه بی، افغانستان را به کانون و «قلب تپنده» حوزه تمدنی ما مبدل می سازد؛

مبارزه مشترک همه مردمان منطقه ما برای تأسیس حوزه تمدنی ما، نه تنها هژمونی های ویرانگر منطوقی را با زمینه های کاملاً نو "شگوفایی برای همه" معاوضه می کند؛ و راه برای استفاده مشترک از ذخایر بزرگ این حوزه را می گشاید؛ بل به جهان هم این امکان بسیار مهم را می بخشد که در این حوزه خطر خیز، همدیگر را موازنه کنند؛ می بینیم که تا هنوز این تمایل غلبه دارد که هر کدام از این جریان سهمی برای خود جدا کنند؛ اما در نهایت حوزه تمدنی ما به مانند حد فاصل در میان همه گرایش های متضاد قد می کشد؛ و اگر جهان این حد فاصل را نیابد، در افغانستان مرقد می کشد.

آرامش جهانی، از افغانستان سر خواهد زد!

جهان با روی آوردن به حوزه تمدنی، و به تمدن، را از افغانستان آغاز خواهد کرد! و یا اصلاً آغاز نخواهد کرد!

